



موقعیت

فروش شرکت آتار محمدی به کمترین حد ممکن رسیده بود زیرا:

سراشویی سقوط گاهی از آنچه تصور می شود تند و تیزتر است. برای آنهایی که نسبت به تولید و کار، غیرت بیشتری داشتند؛ این موضوع بیشتر صدق می کرد؛ چرا که برخی از تولیدکنندگان عطای تولید را به لقایش بخشیدند و وارد فضای واردات یا واسطه گری در اقتصاد شدند؛ اما آقای محمدی با چنگ و دندان می جنگید تا کارگاه را حفظ کند. با این حال هر دم از این باغ بری می رسید هر شب آقای محمدی با یک خبر بد جدید به خانه برمی گشت. قاچاق کالا و واردات بی رویه محصولات ارزان قیمت خارجی، شرایط رقابت را به شدت برای محصولات شرکت ایران سبز، سخت و یا شاید غیرممکن کرده بود و تقریباً فروش داخلی را به کمترین حد ممکن رسانده بود. حتی مشتری های قدیم آقای محمدی هم دیگر از محصولات او نمی خریدند. روزنه امید صادرات هم که قبلاً به واسطه تحریم ها بسته شده بود. تاب آوری در چنین شرایطی، غیرممکن به نظر می رسید.



همان شب پدر بعد از اخبار ساعت نه به خانه رسید؛ درحالی که در همه بخش های خبری تلویزیون سخن از قاچاق های گسترده و سوءاستفاده های مالی برخی تولیدکنندگان از ارز و تحریم بود. از چهره او به خوبی می شد فهمید که خبرها به گوش او هم رسیده است. بعد از شام که در سکوت برگزار شد، ستایش جرئت کرد و سر صحبت را باز کرد:

ستایش: بابا حالا اوضاع خیلی بد می شه؟

پدر: چی بگم؟ من که دیگه هیچ امیدی ندارم! فکر کنم باید تعطیل کنم!

امیرعلی: پس کارگراتون چی می شن؟

پدر: همه غصه ام به خاطر اوناس! من که فوقش زمین کارگاه رو می فروشم و یه کاسی دیگه راه می ندازم. این بندگان خدا چه کنن که همین حقوق کمی هم که می گرفتن به زور خرچشون رو تأمین می کرد! خدا به خیر بگذرونه.

مادر: خب بقیه همکارا تون چی کار می کنن؟

قاچاق کالا (واردات بدون اجازه دولت) ← عدم توان رقابت با کمالات خارجی

نداشتن امید به صادرات به خاطر تحریم ها ← کم شدن فروش

کم شدن تولید ← افزایش معنی کارگرها و بیکار شدن آنها

پدر: شرایط برای همه یکیه! فقط چیزی که منو خیلی می‌سوزونه نیش و کنایه‌های رفقای قدیمه که جمع کردن و رفتن خارج!

امیرعلی: چه فکر خوبی کردن که رفتنا!

پدر (با عصبانیت): غیرت ملی‌ات کجا رفته؟ اینجا کشور مونه؛ خونه مونه! تو خونه‌ات رو به خاطر سختی‌هاش رها می‌کنی و می‌ری؟

امیرعلی: یعنی جمله من این قدر بد بود که شمارو ناراحت کرد؟!

پدر: آخه عزیز من اگه همه ول کنن و برن، یا بزنی تو کار خرید ملک و ماشین و سکه و دلار و واردات، اون وقت کی تولید کنه؟ چرخ اقتصاد چطوری بچرخه؟ اقتصاد مملکتمون چطوری رشد کنه؟ اونایی که ندارن چی کار کنن؟ تو که همیشه خوب فکر می‌کردی بعد حرف می‌زدی، حالا چرا...؟ مادر: همه اونایی که رفتن خارج یه روزی دلشون برای کشورشون تنگ می‌شه! من اینو توی این فیلمای مستند زیاد دیدم.

ستایش: حالا شما می‌خواین چی کار کنین بابا؟

پدر: چی بگم والا! تنها چیزی که به ذهنم می‌رسه اینه که همه خط تولیدها رو خاموش کنم و فقط یکی رو نگه دارم تا کارگاه نخوابه!

مادر: طفلک این کارگرا! همشون دارن بیکار می‌شن!

ستایش: تازه داشت کارا درست می‌شدا! چقدر بده آدم حس کنه داره کم کم و خورده‌خورده بدبخت می‌شه؟

گفت‌وگو در کلاس نظر شما چه؟



- ۱- از شنیدن واژه بیکاری چه احساسی به شما دست می‌دهد؟
- ۲- آیا می‌شود گفت بین احساسی که از بیکاری دارید با آنچه واقعاً در حال روی دادن است، تفاوت وجود دارد؟
- ۳- به نظر شما چه ارتباطی بین رکود و بیکاری در یک کارگاه تولیدی و رکود و بیکاری در کل کشور وجود دارد؟

نقشه راه ما در این درس به دنبال چه هستیم؟

ما در این درس می‌خواهیم دربارهٔ رکود و بیکاری سخن بگوییم؛ دلایل بیکاری را بشناسیم و دربارهٔ محاسبه نرخ بیکاری مطالبی فراگیریم. در پایان این درس خواهیم توانست:

- دربارهٔ چیستی و علت‌های رکود، بحث کنیم.
- میزان بیکاری را اندازه‌گیری کنیم.
- دربارهٔ پیامدهای بیکاری و مشکل فقر، بحث کنیم.

مقاله

مبعض شغلها در طول زمان از سن می روند و برخی به وجود می آیند

فرز و فرود شغلها

تغییرات در تقارن صنعتی و رویه های تولیدی

اگر پای خاطرات پدر بزرگ و مادر بزرگان بنشینید، احتمالاً درباره کسانی می شنوید که در قدیم کارشان پنبه زنی و درست کردن تشک و لحاف بود و در کوی و برزن می گشتند و کار خود را فریاد می زدند؛ اما امروزه خبری از این شغل نیست و به جای آن کارخانه هایی با هزاران نفر نیروی کار به وجود آمده است که به صورت صنعتی کالای خواب تولید می کنند. داستان از بین رفتن برخی شغلها و به وجود آمدن برخی دیگر از مواردی است که دائماً در اقتصاد در حال تکرار است.



همیشه وجود دارد

گاهی اوقات از دست دادن شغل به دلیل تغییرات در فناوری های صنعتی و رویه های تولید نیست؛ بلکه عواملی همچون ضعیف بودن ساختار اقتصادی، قاچاق و واردات بی رویه و یا تحریم های اقتصادی، باعث می شود تا تولیدات شرکتها و کارخانه ها کاهش یابد و اقتصاد کشور گرفتار رکود شده و به این ترتیب اشتغال کاهش و بیکاری افزایش یابد.

چهار مورد است که باعث کاهش تولید و درآمد اقتصادی و افزایش بیکاری می شود

منابع غیر فعال و منحنی مرز امکانات تولید

با کاهش تولید و پدید آمدن رکود کارگران کمتری هم مورد نیاز است و سرمایه کمتری مورد استفاده قرار می گیرد؛ در چنین شرایطی اقتصادی دارای منابع بیکاری است که این منابع می توانند برای تولید کالا و خدمات از آن استفاده شود اما از آنها برای تولید هیچ چیز استفاده نمی شود!



کاهش تولید ← ایجاد رکود ← کاهش سرمایه کارگر و سرمایه
 بیکاری شدن عده ای از کارگران و استفاده نشدن کل سرمایه موجود

منظور از منابع غیر فعال چیست؟

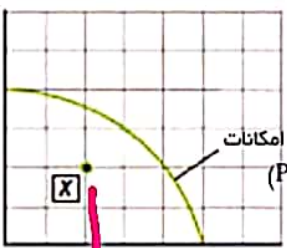
منابع غیر فعال (بیکار) : منابع هستند که می توانند برای تولید کالا و خدمات مورد استفاده قرار گیرند اما از آن ها برای تولید هیچ چیز استفاده نمی شود.

منابع تولید ← نیروی کار - سرمایه - منابع طبیعی

نتیجه وجود منابع بیکار و دلایل مزاحمتی در درون مرز امکانات تولید



مقدار بقیه کالاها



وجود این منابع بیکار سبب می شود که کشور در زیر مرز امکانات تولید قرار گیرد (نقطه X در شکل روبه رو). دلایل مختلفی برای قرار گرفتن در درون مرز امکانات تولید به جای قرار گرفتن روی آن وجود دارد. شاید برخی از کارخانه ها بسته شده اند یا بعضی از کارگرا بیکار هستند. وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، به راحتی می تواند با استفاده از آن منابع غیرفعال کالا و خدمات زیادی تولید کند.

این منابع استفاده نشود تولید، کار را متراکم برد
فعالیت فردی در کلاس



در درس های گذشته راجع به منحنی امکانات تولید سخن گفتیم. با توجه به مفهوم آن تحلیل کنید که چرا این جمله صحیح است: «وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگری نیست.»

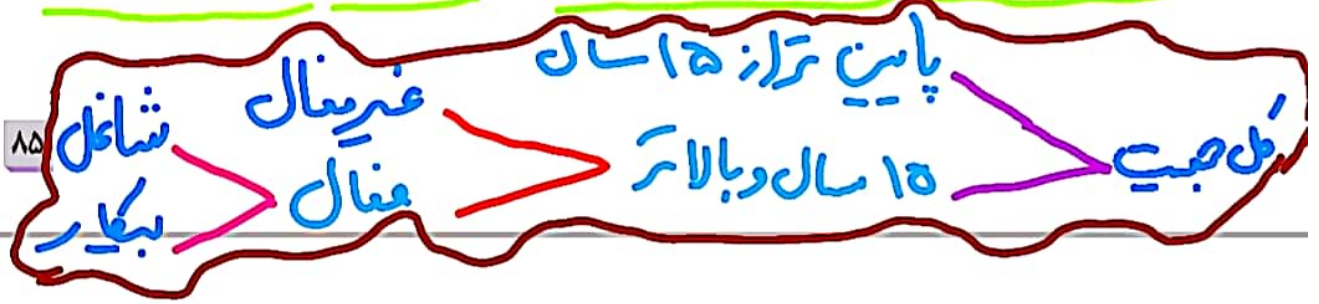
اشتغال و بیکاری

همه ما از صبح که از خواب بیدار می شویم تا شب کارهای مختلفی انجام می دهیم. اما اینها لزوماً شغل ما نیست؛ بنا به تعریف، کسانی که در ازای کاری که انجام می دهند دستمزد یا حقوق می گیرند، شاغل محسوب می شوند؛ این شغل می تواند تمام وقت یا پاره وقت باشد.

همه کسانی که شغلی ندارند، هم بیکار نیستند. بیکار کسی است که بالاتر از ۱۵ سال دارد و در جست و جوی کار است؛ اما کاری برای خود پیدا نمی کند. بنابراین کسانی که دانش آموز و دانشجو هستند و یا بازنشسته و خانه دارند و دنبال کار نمی گردند، بیکار محسوب نمی شوند.

آمار جمعیت، اشتغال و بیکاری کشور در سال ۹۸			
کل جمعیت	۸۳'۰۰۰'۰۰۰		
پایین تر از ۱۵ سال	۲۱'۴۱۸'۰۰۰		
۱۵ سال و بالاتر	۶۱'۵۸۲'۰۰۰	غیرفعال	۳۳'۹۳۷'۰۰۰
		فعال	۲۷'۶۴۵'۰۰۰
		شاغل	۲۴'۷۵۱'۰۰۰
		بیکار	۲'۸۹۴'۰۰۰

اگر تعداد افراد شاغل و بیکار را با هم جمع کنیم، جمعیت فعال جامعه به دست می آید. جمعیت فعال افرادی هستند که یا مشغول به کارند یا دنبال کار می گردند. افراد دیگری را که در سن کار (بالای ۱۵ سال) قرار دارند، ولی شاغل و یا بیکار نیستند، در جمعیت غیرفعال دسته بندی می کنند (مانند دانشجویان و دانش آموزان بالای ۱۵ سال).



جمعیت بالای ۱۵ سال

- ۱- غیرفعال
- ۲- فعال
- ۳- شاغل
- ۴- بیکار

غیرفعال: بالای ۱۵ سال - شغل ندارند - دنبال شغل هم نیستند.

فعال: بالای ۱۵ سال - یا شغل دارند یا دنبال شغل اند.

شاغل: بالای ۱۵ سال - شغل دارند و حقوق یا دستمزد می گیرند.

بیکار: بالای ۱۵ سال - شغل ندارند - دنبال شغل اند.

جمعیت فعال + جمعیت غیرفعال = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر

جمعیت بیکار + جمعیت شاغل = جمعیت فعال

شبهات و تفاوت غیرفعال و بیکار:

• هر دو ۱۵ سال و بالاتر هستند - هر دو شغل ندارند.

• غیرفعال به دنبال شغل نیست و نمی خواهد شاغل باشد.

• بیکار به دنبال شغل است و می خواهد شاغل باشد و هنوز کاری پیدا نکرده است.

نرخ بیکاری:

اساسی ترین شاخص و بهترین سنج برای ارزیابی وضعیت اشتغال

نرخ بیکاری

اساسی ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال کشور نرخ بیکاری است. نرخ بیکاری از نسبت تعداد بیکاران به کل جمعیت فعال کشور ضرب در صد به دست می آید.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

فعالیت فردی خارج از کلاس



مرکز آمار ایران که وظیفه استخراج این آمارها را دارد از کجا متوجه می شود که مردم بیکار هستند یا نه؟ درباره شیوه آمارگیری از اشتغال و بیکاری تحقیق کنید و آن را در کلاس ارائه کنید. آیا می توانید با توجه به داده های مرکز آمار، نرخ بیکاری را برای سال ۱۳۹۸ محاسبه کنید؟



چرا بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می شود، احساس می کنیم؟

- ۱. آنچه در سنجش تعداد بیکاران اتفاق می افتد، گاهی با احساس عمومی جامعه از بیکاری سازگار نیست؛ چرا که:
 - طبق تعریف، کسانی را که از جست و جوی شغل دلسرد شده اند بیکار محسوب نمی کنند!
 - ۲. همه کسانی را که به صورت پاره وقت مشغول به کارند شاغل به حساب می آورند، در حالی که آنها در جست و جوی شغل تمام وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی آورند.
 - ۳. همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می کنند.
 - ۴. برخی افراد نیز ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیر رسمی یا به امید بهره مندی از بیمه بیکاری و... با مأموران آمارگیری درباره وضعیت شغلی خود با صداقت برخورد نکنند.
- این دلایل سبب می شود که نرخ بیکاری از مقدار واقعی اش فاصله داشته باشد ولی در هر صورت همچنان بهترین سنجه برای مشخص شدن وضعیت بیکاری در جامعه است.

بازار نیروی کار

نیروی کار نیز در اقتصاد دارای بازار است. همان طور که در بازار کالا، مقدار عرضه و یا تقاضای یک کالا با قیمت آن ارتباط می یابد، در بازار کار نیز قیمت نیروی کار که نام آن دستمزد است، با میزان تقاضا یا عرضه نیروی کار ارتباط دارد. عرضه کننده نیروی کار، همان کارگرانی هستند که با نیروی بدنی و یا فکری خود، محصول یا خدمتی را تولید می کنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضاکنندگان کار قرار دهند. تقاضاکنندگان نیروی کار، صاحبان شرکت ها و کارخانه ها یا سرمایه گذارانی هستند که نیروی کار را استخدام می کنند و گاهی در اقتصاد به آنها کارفرما هم می گویند.

در بازار کالا، مقدار عرضه و تقاضای یک کالا، با قیمت آن ارتباط می یابد.

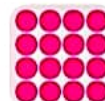
در بازار نیروی کار، میزان عرضه و تقاضای نیروی کار با قیمت نیروی کار، یعنی دستمزد ارتباط دارد.

۸۶

عرضه کننده نیروی کار ← کارگران

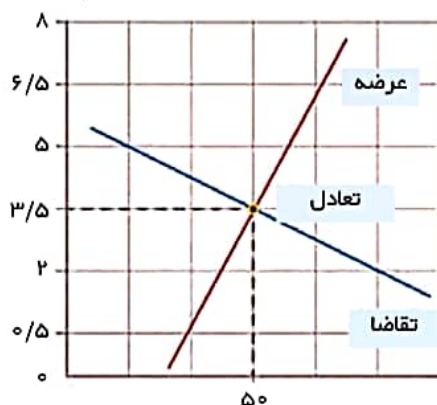
تقاضاکننده نیروی کار ← صاحبان شرکت ها و کارخانها - سرمایه داران (کارفرما)

فعالیت گروهی در کلاس



در نمودار زیر، مقدار و قیمت (دستمزد) تعادلی در یک بازار کار، نشان داده شده است. در دستمزد پنج میلیون تومانی (برای هر ماه)، بازار دارای مازاد عرضه است و در قیمت دو میلیون تومانی، بازار با مازاد تقاضا روبه‌روست. اولاً تحلیل کنید که مازاد عرضه و تقاضا در بازار کار به چه معناست؛ ثانیاً چگونه مقدار و قیمت در بازار کار به حالت تعادلی باز می‌گردد.

دستمزد (میلیون تومان)



تعداد نیروی کار (هزار نفر ساعت)

▲ تعادل در بازار کار

انواع بیکاری

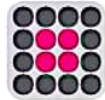
بیکاری به دلایل مختلفی می‌تواند به وجود آید اقتصاددانان انواع بیکاری را با توجه به دلایل آن دسته‌بندی

می‌کنند:

تعریف	نوع بیکاری
این نوع بیکاری شامل کسانی می‌شود که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و به امید یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند. همچنین شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند. این نوع بیکاری کوتاه مدت است و در همه کشورهای وجود دارد.	بیکاری اصطلاحی
زمانی اتفاق می‌افتد که کارگران به دلیل تغییرات فصلی شغل خود را از دست می‌دهند، مانند برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان.	بیکاری فصلی
بیکاری ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هاست، مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد؛ ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.	بیکاری ساختاری
بیکاری ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.	بیکاری دوره‌ای

۱-
۲-
۳-
۴-

هزاره دهامد بیکاری های مانند بسیاری اصطلاحاتی و ساختاری و چرود دارد که بر آن نرخ طبیعی بیکاری می گویند.



بیشتر بدانیم

آیا نرخ بیکاری صفر هم داریم؟ خیر

برخی افراد ممکن است به دلایل مختلف شغل خود را رها کنند و به جست و جوی شغل بپردازند و تا زمانی که دوباره استخدام شوند، بیکار خواهند بود (بیکاری اصطلاحاتی). همچنین فناوری و ساختار تولیدی همیشه در حال تغییر است و مهارت های برخی افراد ممکن است تقاضا نداشته باشد (بیکاری ساختاری). اقتصاددانان این میزان از بیکاری را که همیشه در جامعه وجود دارد نرخ طبیعی بیکاری برای یک اقتصاد سالم توصیف می کنند.



بیکاری و رکود، چه پیامدهایی دارد؟ پیام منفی بیکاری و رکود:

بیکاری مشکلات زیادی برای بیکاران و خانواده های آنها به وجود می آورد. علاوه بر از دست دادن درآمد خانوار، بسیاری از بیکاران، بیمه خدمات درمانی خود را نیز از دست می دهند. خانواده هایی که هیچ دستمزد دیگری ندارند، مجبورند از پس انداز خود برای غذا، پوشاک و مسکن استفاده کنند یا از دیگران برای تأمین این نیازها قرض بگیرند، ضمن اینکه برای هزینه های غیر مترقبه مانند درمان و خرابی لوازم خانگی و... ناتوان می شوند. بیکاری همچنین می تواند موجب بروز اختلافات خانوادگی شود و حتی جرم و جنایت را در جامعه بیفزاید. بیکاری تأثیری منفی نیز بر بودجه دولت دارد. میزان بالای بیکاری، دولت را مجبور می کند تا پول بیشتری را صرف برنامه های اجتماعی مانند بیمه بیکاری و کمک به تغذیه خانواده های نیازمند کند؛ در حالی که درآمد مالیاتی دولت به دلیل بیکار بودن کارگران و کاهش تولید شرکت ها کاهش یافته است.

فقر نیز یکی از پیامدهای غم انگیز بیکاری و رکود است. به این جمله فکر کنید: «در هر چهار ثانیه یک کودک بر اثر مشکلات مرتبط با فقر در دنیا جان خود را از دست می دهد.» چرا در جهانی که شرکت ها و قدرت های صنعتی بزرگ با توان درآمدزایی بالا در آن فعالیت می کنند، کودکان در فقر جان خود را از دست می دهند؟ در کل جهان، ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق به سر می برند بسیاری از کشورهای جهان درگیر مسائل مرتبط با فقر و نابرابری اند حتی کشورهای با درآمد بالا نیز دست به گریبان نابرابری های اقتصادی اند

روش کلی در تعیین میزان فقر آن است که نیامندی های افراد و یا خانوار را با توانمندی های آنان برای دستیابی به آن نیازها مقایسه کنیم. اما از آنجا که کافی بودن یا نبودن این شاخص ها به طور خاص به وضعیت نسبی رفاه گروه ها و طبقات مختلف مردم بر می گردد، ممکن است میزانی از



روش کلی در تعیین میزان فقر ← مقایسه نیازها افراد با توانمندی

آنها برای دستیابی به آن نیازها

این روش کلی، کافی نیست چون

این شاخص‌ها که برای یک گروه کافی به نظر می‌رسد، برای گروه دیگر ناکافی باشد. این وضعیت به ویژه در مقایسه نواحی ای که از نظر سطح رفاه یکسان نیستند، همانند شهر و روستا، صدق می‌کند؛ به عنوان مثال ممکن است میزانی از «سلامت» که برای خانوارهای یک ناحیه روستایی مطلوب و ایده‌آل است، برای خانوارهای شهری ناچیز تلقی شود و براین اساس آنها خود را، فقیر بدانند. این وضعیت منجر به تعریف «فقر نسبی»^۱ شده است. در فقر نسبی همیشه تعریف فقر نسبت به وضعیتی که ما در آن هستیم صورت می‌گیرد. از این رو معیار فقر در نواحی و زمان‌های مختلف متفاوت خواهد بود.

با توجه به مفهوم فقر نسبی، می‌توان گفت که محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار پیچیده و سخت و شاید ناممکن است. از این رو مفهوم دیگری تعریف می‌شود به نام «فقر مطلق»^۲ که مطابق با آن می‌توان معیاری را برای سنجش میزان فقر در نظر گرفت؛ به عنوان مثال، مطابق با معیار بانک جهانی، افرادی که زیر ۱/۹ دلار در روز درآمد دارند^۳، زیر خط فقر مطلق اند و از تأمین احتیاجات اولیه زندگی خود عاجزند.

انواع فقر

فقر نسبی: در فقر نسبی همیشه تعریف فقر، نسبت به وضعیتی که ما در آن هستیم صورت می‌گیرد. پس معیار فقر در نواحی و زمان‌های مختلف، متفاوت است.

فقر مطلق: افرادی که از تأمین احتیاجات اولیه خود عاجزند و مطابق با معیار بانک جهانی، زیر ۱/۹ دلار در روز درآمد دارند.

و در بین آدم‌های پول دار سری بچرخانند مشکل سوم از همه بدتر بود چگونه می‌توانستم آدم‌های پول دار را راضی کنم که گاهی به پایین خط فقر تشریف بیاورند و سری به فقر بزنند و از حال آنها جو یا شوند؟ نه نمی‌شود آنها حتی ممکن بود خط فقر را آن قدر بالا ببرند که فقط خودشان و اقوام محترمشان بالای خط فقر قرار گیرند و بقیه فقط حق داشته باشند از دور به دیدن کاخ‌های آنها بروند.

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا

(سوره اسراء، آیه ۱۶)

روشن دلار رفاهی یا دلار باری قدرت خرید برای معایه میزان رفاه کشورها با معیاری باشد
 به این صورت که: یک سبد کالایی یکسان سالانه در کشور ایران قیمت گذاری شود، در هم زمان همان سبد کالایی در کشور آمریکا مقیاس قیمت می‌شود.
 تقسیم این دو بر هم قدرت خرید دلار را در ایران نشان می‌دهد.

۱- relative poverty

۲- absolute poverty

هر چه قدرت خرید دلار کمتر باشد (دلار کمتر باشد) رفاه مردم کمتر و فقر بیشتر است.

۳- در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار، از طریق روش برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه می‌شود.

عوامل ایجاد بیکاری و فقر (۱۴ مورد)

دولت و مسئله بیکاری و فقر

اگر پای درد دل کارآفرینان و صاحبان شرکت‌ها و صنایع تولیدی بنشینید، تا اندازه‌ای می‌توانید از عوامل ایجاد بیکاری و فقر در کشور، اطلاعاتی به دست آورید. آنها به شما خواهند گفت که در طی دوره‌های گوناگون مجبور شده‌اند بخشی از نیروی کار خود را اخراج کنند و یا دستمزد آنها را کاهش دهند. حتی برخی از آنها ممکن است به شما بگویند که مجبور شده‌اند، کارگاه یا کارخانه تولیدی‌شان را تعطیل کنند. بیشتر تولیدکنندگان، از اینکه کالاهایی که خود آنها با تلاش و خون دل فراوان تولید می‌کنند، به راحتی توسط قاچاقچیان یا واردکنندگان به کشور وارد می‌شود، گله دارند. قاچاق یا واردات کالایی که مشابه آن در کشور تولید می‌شود، یکی از عوامل مهم بیکاری و فقر است.

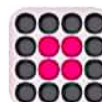
علاوه بر این، برخی تولیدکنندگان از بازپرداخت وام‌های کلان بانکی و یا از نبود فضای مناسب کسب و کار گلایه دارند. گاهی برخی از آنها برای راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی یا اضافه کردن خط تولید جدید، باید ماه‌ها و حتی سال‌ها در انتظار مجوزهای دولتی باشند و در پیچ‌وخم‌های اداری سازمان‌ها و نهادهای معطل بمانند. گاهی قانون‌گذاری‌های متعدد، متناقض و دائم‌در حال تغییر، بر بی‌ثباتی فضای کسب و کار دامن می‌زنند. تصور کنید به عنوان یک تولیدکننده، سال‌ها برای تولید یک محصول وقت و سرمایه گذاشته‌اید و کارگاهی راه انداخته‌اید؛ ناگهان قانون جدیدی ابلاغ می‌شود که تولید محصول موردنظر شما را غیرقانونی اعلام می‌کند یا واردات آن را آزاد می‌سازد. چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ بی‌ثباتی و ناامنی در فضای کسب و کار اقتصادی، عوامل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد؛ مثلاً اختلال در بازارهای انرژی جهان یا بحران‌های محیط‌زیستی یا بهداشتی، مثل ویروس کرونا! با این حال، در اقتصاد ایران، بی‌ثباتی در قیمت‌ها که در درس‌های بعدی بیشتر با آن آشنا خواهیم شد، بر بی‌ثباتی بازار کار و فعالیت اقتصادی اثر منفی قابل توجهی گذاشته است و خود یکی از عوامل مهم بیکاری و رکود به‌شمار می‌رود. یکی از وظایف دولت‌ها در هر کشوری، اجرای سیاست‌های فقرزدایی و برقرار کردن عدالت است. دولت‌ها موظف‌اند از طریق حمایت از شرکت‌های تولیدی و مبارزه با فساد، با فقر و بیکاری مبارزه کنند.

نقش دولت‌ها در حل مسئله بیکاری و فقر

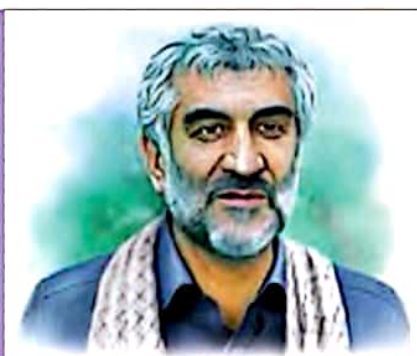
مسئولیت اجتماعی مردم

مردم نیز برای حفاظت از پیشرفت‌های اقتصادی خود در مقابل ویروس فقر مسئولیت دارند. آنها می‌توانند از طریق ایجاد نهادهای توانمندسازی، خیریه و کمک‌های مردمی و نیز تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه و فعالیت‌های جهادی، از یکدیگر در برابر خطر فقر و نابرابری، محافظت کنند.

بیشتر بدانیم الگوی جهادی فقرزدایی



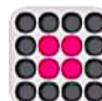
ماه رمضان بود. شب خسته و کوفته از مناطق دور دست بشاگرد برگشته بود. حاضر نبود افطار کند. گفتم حاجی چی شده، چرا این قدر ناراحتی؟ در پاسخ گفت رفتم در یک روستا دیدم بانان و پیاز افطار می کنند. تا یک افطاری مناسب برای آنها نبرم نمی توانم افطار کنم. همه مشغول شدند، مقداری غذای مناسب آماده کردند و با چند وانت راهی آن روستا شدند. آن موقع بود که دیدم حاجی آسوده شد.



یکی از الگوهای موفق در فقرزدایی کشور، الگویی است که حاج عبدالله والی در بشاگرد اجرا کرد. او سال ها با مردم بشاگرد هم نفس شد و طی بیست و سه سال خدمت و جهاد با اخلاص، آن دیار محروم را به آبادانی نسبی رسانید. حاج عبدالله والی با شناخت وضع موجود و امکانات منطقه با طراحی برنامه های درآمدزایی و توانمندسازی و با تشویق و حمایت

همه جانبه از تولید تا مصرف به افزایش سطح زندگی مردم کمک کرد. او با تشویق مردم به کار کردن و آموزش آنان توانست مردم آن منطقه را به سطح خودکفایی برساند. مهم ترین تأثیر او ایجاد روحیه خودباوری در مردم و افزایش سطح آگاهی و توانمندی آنها بوده است.

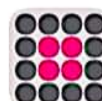
برای تفکر و تمرین



شرایط پیش آمده و واردات بی رویه تجهیزات کشاورزی، باعث شد تا آقای محمدی مجبور شود بخشی از واحد تولیدی کارگاه خود را که مربوط به سموم زیستی بود، تعطیل کند. همین اتفاق در بسیاری از کارگاه ها و تولیدی های منطقه نیز رخ داد. آقای محمدی برای محاسبه نرخ بیکاری منطقه خودش به اطلاعات زیر دست یافته است. لطفاً محاسبه کنید که نرخ بیکاری در منطقه زندگی آقای محمدی چقدر است.

جمعیت کل (نفر)	جمعیت زیر ۱۵ سال (نفر)	جمعیت غیر فعال (نفر)	جمعیت شاغل منطقه (نفر)
۱'۸۶۰'۰۰۰	۳۶۰'۰۰۰	۲۵۰'۰۰۰	۱'۰۰۰'۰۰۰

تحلیل کنید



- نرخ بیکاری در کشور چگونه محاسبه می شود و چرا معمولاً نرخ بیکاری اعلام شده، از آنچه ما تصور می کنیم، کمتر است؟
- از نظر شما مهم ترین راهکار برای مقابله با بیکاری و فقر چیست؟

شرایط پیش آمده و واردات بی رویه تجهیزات کشاورزی، باعث شد تا آقای محمدی مجبور شود بخشی از واحد تولیدی کارگاه خود را که مربوط به سموم زیستی بود، تعطیل کند. همین اتفاق در بسیاری از کارگاه ها و تولیدی های منطقه نیز رخ داد. آقای محمدی برای محاسبه نرخ بیکاری منطقه خودش به اطلاعات زیر دست یافته است. لطفاً محاسبه کنید که نرخ بیکاری در منطقه زندگی آقای محمدی چقدر است.

جمعیت کل (نفر)	جمعیت زیر ۱۵ سال (نفر)	جمعیت غیر فعال (نفر)	جمعیت شاغل منطقه (نفر)
۱'۸۶۰'۰۰۰	۳۶۰'۰۰۰	۲۵۰'۰۰۰	۱'۰۰۰'۰۰۰

جمعیت فعال = جمعیت غیر فعال - جمعیت زیر ۱۵ سال - جمعیت کل

$$1/860/000 - 360/000 - 250/000 = 1/250/000$$

جمعیت بیکار = جمعیت شاغل - جمعیت فعال

$$1/250/000 - 1000/000 = 250/000$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{250/000}{1/250/000} \times 100 = 20$$



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد